



حضرت محمد(ص) چه کسی را به درجه انبیاء نزدیک می داند؟

خداوند، از حکمت، خیر کثیر را مراد می کند و دنیا را مزرعه آخرت می داند. دین معرفت اندیش نیز حکمت را از منظر توحید می بیند و نگاه توحیدی به حکمت، دنیا و آخرت را به طور توأمان متضمن است، حکمتی که متولی معیشت بشر نیز هست.

خداوند، از حکمت، خیر کثیر را مراد می کند و دنیا را مزرعه آخرت می داند. دین معرفت اندیش نیز حکمت را از منظر توحید می بیند و نگاه توحیدی به حکمت، دنیا و آخرت را به طور توأمان متضمن است، حکمتی که متولی معیشت بشر نیز هست. آنچه در ادامه می خوانید یادداشت دکتر محمد تقی فرجی در موضوع «حکمت، حیات حکیمانه و جامعه اخلاقی» است.

«یوتی الحکمة من یشاء و من یوت الحکمة فقد اوتی خیراً کثیراً و ما یذکر الا الوالالباب»

خداوند به هر کس که بخواهد حکمت می بخشد و کسی که صاحب حکمت شود، صاحب خیر کثیر شده است. (بقره ۲۶۹) «حکمت، "Hekmat"؛ عدل؛ داد؛ دانش؛ دانایی؛ حلم؛ بردباری؛ راستی؛ درستی؛ صواب؛ حق؛ پند؛ اندرز؛ معرفت فلسفه؛ عبادت و اخلاق را در ابعاد وسیع آن شامل می شود. حکمت عملی، به معنی علم به احوال و اشیاء و موجوداتی است که وجود آنها تحت حیطه و هیمنه بشر است. حکمت، به عبارتی نیل به سعادت اخروی و استعلائی نفس است. حکمت نظری، شامل تهذیب اخلاق، تدبیر منزل و سیاست است. حکمت کشفی، حکمت اشراق و حکمت مشرق زمین است. حکمت مطلقه، فلسفه اولی حکمت خداوندی است. امام علی (ع) می فرمایند: و نوره بالحکمه؛ یعنی دل تاریک را با نور خود روشن کن. اگر حکمت را اخروی و دنیوی ارزیابی کنیم، در بعد اخروی، مراد همان خیر کثیر آخرت در مقایسه با متاع قلیل دنیا است. واژه حکمت اخروی به قول مولوی، همان حکمت دینی و قرآنی است که آدمی را به فوق فلك سوق می دهد. و حکمت دنیوی، در حقیقت پیرامون علم کلام و فلسفه بحث می کند.

برآستانه اسرار آسمان نرسد

به بام فقر و یقین هیچ آسمان نرسد

گمان عارف در معرفت چو سیر کند

هزار اختر و مه اندر آن آسمان گمان نرسد

خداوند، از حکمت، خیر کثیر را مراد می کند و دنیا را مزرعه آخرت می داند. پیامبران که برای تعلیم کتاب و حکمت آمده اند، بهترین راه رسیدن به حکمت را رجوع به قرآن می دانند. «لا تجعل مع الله الهاً اخر فتعقد مذموماً مخذولاً».

به جز خدای واحد، خدای دیگری را نپرست، چه در آن صورت مخذول و مذموم باقی خواهی ماند. (الاسراء 22)

«ذلك مما اوحى اليك ربك من الحکمة و لا تجعل مع الله الهاء اخذ فتلقى في جهنم ملو مامد حورا».

این از چیزهایی است که خدایت از روی حکمت به تو وحی کرده است و با خدای یکتا، کسی را به خدایی میپرست و گرنه ملامت زده و مردود به دوزخ خواهی افتاد. (الاسراء 39)

پیامبر (ص) می فرمایند: نزدیک است حکیم به درجه انبیاء برسد. نیز می فرمایند: کلام حکمت انگیزی که مومن بشنود، از يك سال عبادت بهتر است. امام علی (ع) می فرمایند: حد حکمت، اعراض از دار فنا و پرداختن به دار بقاء است. رأس حکمت، خوف از خداست و هر کسی که حکمت در او استوار شود، عبرت ها را می شناسد.

امام علی(ع) در نامه حکیمانه «حکمت نامه» خود به امام حسن(ع) در حقیقت، حکمت اخروی را مراد می کنند و می خواهند به وسیله این نامه که خطاب به فرزند خویش نگاشته اند، همه فرزندان روحانی خود را مخاطب قرار دهند و حاصل حکمت اخروی و حکمت دنیوی را در قالب خیر کثیر در اختیار همگان قرار دهند. دین معرفت اندیش، حکمت را از منظر توحید می بیند و نگاه توحیدی به حکمت، دنیا و آخرت را بطور توأمان متضمن است. حکمتی که متولی تمشیت بشر است، معیشت ایشان را نیز در نظر دارد، اما این حکمت، از آنجا که حکمت عملی نامیده می شود و آن را کوششی دنیوی برای نیل به سعادت اخروی می شناسیم، همراه حکمت نظری که شامل تهذیب نفس و تدبیر منزل است، خواه از منظر حکمت کشفی و خواه حکمت اشراق تحقیقاً بشر را به حکمت مطلقه که همان فلسفه عملی حکمت خداوندی است، هدایت می کند.

منع حکمت شود حکمت طلب

فارغ آید او ز تحصیل وسبب

لوح حافظ لوح محفوظی شود

عقل او از روح، محفوظی شود

چون معلم بودعقلش زابتدا

بعد ازاین شد عقل شاگردی ورا

عقل چون جبرئیل گویداحمدا

گر یکی گامی نهم سوزد مرا

حکمت دنیا و حکمت دین در تزام هم نبوده بلکه همراه یکدیگرند

حکمت دنیا، هیچگاه و در هیچ شرایطی با حکمت دینی در تزامن نیست؛ بلکه همراه آن است. برخی مدعیان فلسفه و فیلسوف نمایان، بر طبل سفسطه و مغلطه می کوبند و می کوشند، حکمت را تنها از نگاه فلسفه مادی و حکمت دنیا ببینند؛ هم ایشان که کمترین توفیقی در حکمت الهی ندارند، به جای همراهی با دین و حکمت دینی، به دشمنی با دین و معرفت دینی می پردازند. امام علی(ع) در حقیقت با تبیین حکمت و معرفت دینی، هم چگونه زیستن را به ما می آموزد و هم چگونه مردن را. و انسان این عصر، بلکه تمام اعصار، با تأسی به آن پیشوای بزرگ و در پرتو حکمت و حیات حکیمانه می تواند راه خود را از اغیار تمیز دهد و با هدایت خود، هادی دیگران شود. شرح و تفسیر نامه حکیمانه و «حکمت نامه» امام علی به امام حسن «علیهما السلام»، از آنجا که بعنوان یک اثر ماندگار شناخته می شود پرواضح است، عمل به توصیه های آن امام حکیم، در این نامه حکیمانه، منشور جاودانگی و حیات عزیزانه انسان و جامعه در دو جهان است.

چو اوست معنی عالم به اتفاق همه

بجز به خدمت معنی کجا روند اسماء

شد اسم مظهر معنی کاردت ان اعراف

وزاسم یافت فراغت بصیرت عرفا

در بحث مربوط به کلیات نامه امام علی به امام حسن «علیهما السلام» آنچه حائز اهمیت بیشتر می باشد؛ توجه به این امر مهم است که مخاطب نامه، تنها امام حسن(ع) نیست، بلکه همه کسانی که دل در گرو امامت و ولایت دارند و عاشق همسفری با مولای متقیان امیر مؤمنان علی(ع) هستند، به نوعی مورد مواظب آن بزرگوار قرار دارند. نامه امام علی به امام حسن «علیهما السلام» می تواند بهترین گزینه برای انسان سازی باشد، نامه ای که در آن حکمت دنیا و حکمت دین، تئوآمان آمده است. و درس حکمت و دین و دنیا، از جمله ملزومات حیات عزیزانه برای انسان است.

فهرست نویسی از محورهای اصلی نامه امام علی(ع) به خوانندگان ارجمند کمک می کند، تا قبل از ورود به بحث اصلی و شرح و تفسیر آن، ابتدا با نمایه ای از نامه آشنا شوند، تا بدین وسیله روح معنا و معانی روح، در علاقمندان احیاء شود و با حضور قلب و آمادگی ذهنی بیشتری، میهمان سفره معرفت شناختی آن آموزگار بزرگ اخلاق و عدالت باشند. در نامه حکیمانه یا به عبارتی «حکمت نامه» امام علی(ع) که منشور کمال و آزادی است، شاخصه ایی که در پی می آید، برجسته تر نشان می دهد. انسان شناسی، حکمت و یقین، توحید و خداپرستی، حیات و ممات، قناعت و ریاضت، صبر و توکل، جهاد و شهادت، امر به معروف و نهی از منکر، هدایت و رهبری، علم و عقل، وحی و منطق، و حدت وجود و پیام انبیاء روشها و موانع، دعا و مناجات، اخلاق و عرفان، تواضع و فروتنی، عدالت و شجاعت، ایمان و تقوا، صداقت و صراحت، مروت و مدارا، جبر و اختیار، غرور و خود ستایی، مصلحت و عزت، شرک و بت پرستی، توبه و استغاثه استقلال و وابستگی زهد و پارسایی؛ احسان به والدین و حق خویشاوندان، فلسفه و سیاست، حکومت و مردم شیعه و پیروان و لایت ظاهر و باطن، تکلیف و تعهد، محبت و لطف، نقد و نظر، دینداری و روشنفکری، حاجت و عادت، زشتی و زیبایی، عشق و مستی، ادراک و تعقل، مرگ و زندگی و چگونه زیستن و چگونه مردن. بدیهی است که مواردی از قبیل آنچه ذکرش رفت و در کلیات نامه امام علی(ع) آمده است، جزء لاینفک نیاز بشر، برای یک زندگی فردی و اجتماعی است.

یا تو واگو آنچه عقلت یافته است

یا بگویم آنچه بر من تافته است

از تو بر من تافت چون داری نهان

می فشانی نورچون مه بی زبان

نامه پر پند و اندرز و سرشار از درس ها و دستورات معیشتی و تمشیتی امام علی به امام حسن «علیهما السلام» ظاهراً یک مخاطب مشخص دارد، اما باطناً این نامه خطاب به همه کسانی است که به سعادت و نیکبختی در دو جهان می اندیشند. امام اول شیعیان و اولین یار و یاور پیامبر(ص) اولین کسی را که برای موعظه و راهنمایی بر می گزیند، مقام اول امامت و ولایت بعد از خودشان است. بدیهی است که در این محرم راز یا به عبارتی گنجینه اسرار، چه مطالب مهم و حیاتی باید نهفته باشد. شخصیت حقیقی و حقوقی امام علی و امام حسن «علیهما السلام» در کنار مقام عصمت و علمانیت الهی و معرفت و تجربه بلند و بی نظیر آنان در راه تعالیم آسمانی و تعلیم انسان و جامعه در قد و قوارهای است که خود از جمله ادله روشن و مبرهن جامعیت و کمال مکتوبی دارد که حقیقتاً دون کلام خالق و فوق کلام مخلوق است. تحقیقاً، امام علی(ع) در این نامه، تمام آنچه را از حی داور و رسول وحی و داور، یعنی پیامبر(ص) اخذ کرده اند. به همراه آموخته های حکمت آمیز و تجربت اندیش و ارزنده خود در قالب این نامه مسئولانه و عاطفی، هم در مقام پدر و هم در مقام امام؛ به فرزند و فرزندان خویش نگاشته اند آنچه از آن مراد می شود ارائه یک الگوی صریح و کامل برای اداره زندگی برتر در این دنیا با هدف دستیابی به زندگی بهتر در آن دنیا است.

دنیا مزرعه آخرت است و آنچه در این دنیا بکاریم، در آن دنیا درو می کنیم. دقت و ژرفنگری در متن نامه امام علی(ع) که برخی آن را شاید از جهت کمال و جامعیتش یا از نگاه روایی، وصیت نامه امام(ع) می خوانند نشان می دهد که امام علی(ع) در این نامه به آنچه آن را نیاز انسان و جامعه می نامیم، پرداخته اند. مسائلی از قبیل؛ تعلیم و تزکیه؛ خودسازی و تربیت، هدایت جامعه در پرتو توحید و خداپرستی؛ قناعت پیشگی و برائت از هوی و هوس، پرهیز از چرب و شیرین دنیا و سبک باری برای حرکت به سوی دیار ابدی، عدالتورزی و ظلم ستیزی تقوی و پرهیزکاری، انجام امر خدا و ترک نهی آن، در این نامه آمده است. هر بنده کم ظرفیتی خواسته یا ناخواسته، آلوده به قدرت و ثروت و بعد تدریجاً زر و زور و تزویر می شود و مهمترین مسئله ای

که در نامه امام علي(ع) مورد تاکید قرار دارد، مسئله اخلاق است. اخلاق سرمایه جاودانگي است. و جامعه اي که اخلاق و مباني اخلاقي را سر لوحه برنامه هاي خود قرار ندهد، به هيچ وجه جاودانه نمي شود. اينکه بعضاً مي بينيم که برخي کشورهاي توسعه يافته و متمدن و احياناً غربي ها و اروپائي ها، رفته رفته توانسته اند روح اعتماد و خود باوري را که لازمه هر گونه ترقي، پيشرفت و آباداني است، بيش از پيش احيا کنند، تحقيقاً ناشي از تجربه و دانشي است که آنها از اخلاق صحيح فرا مي گيرند. امام علي(ع) راه و رسم حيات عزيزانه را اخلاق و ارزش هاي اخلاقي مي دانند و از جمله ارزنده ترين ارزش اخلاق، بحث مروت و مدارا است. موضوعي که حافظ با تأسي از امام علي(ع) مي گويد:

آسايش دو گيتي تفسير اين دو حرف است

با دوستان مروت با دشمنان مدارا

دينداري، آموزگار جامعه اخلاقي است و يك جامعه ديني، يك جامعه اخلاقي نيز هست. طبيعي است، كساني که بيشتر بر طبل دينداري و فربهي دين در جامعه مي کوبند، بايد بيشترين بهره را از اخلاق ببرند. دين و اخلاق مکمل يکديگرند و جامعه ديني بايد ملتزم به اخلاق و شايستگي هاي اخلاقي باشد، گو اينکه جامعه تا اخلاق پسند نشود، جامعه مدني نمي شود، زيرا مدنيت در پرتو اخلاق محقق مي شود.

از خدا جوييم توفيق ادب

بي ادب محروم شد از لطف رب

بي ادب تنها نه خود را داشت بد

بلکه آتش در همه آفاق زد